



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jcld.iaiu.ac.ir>

Vol.4, No.3, Issue 15, Autumn 2025, P: 67-98

Receive Date: 2025/05/27

Revise Date: 2025/06/18

Accept Date: 2025/06/22

Article type: Original Research

Online ISSN: 2821-2339

DOI: 10.71654/jcld.2025.1221524

Pathology of the Islamic Republic of Iran's Criminal Policy Towards Hijab and Chastity

Hossein Azizabadi¹Amanallah Alimoradi²sayyed mahdi Ahmadimousavi³

۶۷

Abstract

The issue of hijab and chastity as a religious commandment is considered one of the key issues in our society, which is related to many other issues and includes political, social, economic and cultural dimensions. In order to prevent the harm caused by not observing hijab and chastity, the Islamic Republic has taken appropriate measures to preserve, consolidate and deepen these principles in society, but these measures have been faced with numerous harms. This research, using a descriptive-analytical approach, evaluates the harms of the criminal policy of the Islamic Republic of Iran towards hijab and chastity. By utilizing the achievements of critical criminology, this article showed that the legislative, executive, judicial and participatory criminal policies of the Islamic Republic of Iran towards hijab and chastity have caused harms including cultural harms; social indiscipline, cultural rupture and social harms; Youth apostasy, creating enemies among supporters of the Islamic Republic of Iran, increasing the criminal population, and economic damage, including reduced production and disruption in key industries, reduced investment and capital outflow, imposing costs on the private sector, disruption in business, and media damage; the activities of anti-chastity and hijab media, creating negative images of women and hijab, reducing women's self-confidence, and increasing social judgments. Considering the damage caused by criminal policies against hijab and chastity, solutions have been proposed to overcome these damages, including strengthening criminal policies in the field of hijab and chastity with interactive and collaborative methods in society, creating a feedback mechanism and continuous evaluation of criminal policies in the field of hijab and chastity, as well as reviewing and amending policies based on the results of social evaluations and feedback, and creating coordination between criminal policies on hijab and chastity and religious, cultural, and social attitudes.

Keywords: harm, criminal policy, hijab, chastity.

1. Department of Law, Raf.C., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. 3209752729@iaiu.ac.ir

2. Department of Law, Raf.C., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran (Corresponding Author) 3130220305@iaiu.ir

3. Department of Law, Raf.C., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. 2992162299@iaiu.ir



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

سال چهارم - شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۵ - پاییز ۱۴۰۴، ص ۶۷-۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

DOI: 10.71654/jcl.d.2025.1221524

شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹

نوع مقاله: پژوهشی

آسیب شناسی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران قبال حجاب و عفاف

حسین عزیزآبادی^۱

امان الله علیمردی^۲

سید مهدی احمدی موسوی^۳

چکیده

موضوع حجاب و عفاف به عنوان یک دستور دینی، یکی از مسائل کلیدی در جامعه ما محسوب می‌شود که با بسیاری از موضوعات دیگر در ارتباط است و ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود. نظام جمهوری اسلامی برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از عدم رعایت حجاب و عفاف، اقداماتی متناسب به منظور حفظ، تثبیت و تعمیق این اصول در جامعه انجام داده است، اما این اقدامات با آسیب‌های متعددی روبه‌رو بوده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی، آسیب‌های سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف ارزیابی می‌کند. با بهره‌گیری از دستاوردهای جرم‌شناسی انتقادی این مقاله نشان داد سیاست‌های جنایی تقنینی، اجرایی، قضایی و مشارکتی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف آسیب‌هایی از جمله آسیب‌های فرهنگی؛ بی‌انضباطی اجتماعی، گسست فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی؛ دین‌گریزی جوانان، دشمن‌سازی در بین هواداران نظام جمهوری اسلامی ایران، افزایش جمعیت کیفری و آسیب‌های اقتصادی از جمله کاهش تولید و اختلال در صنایع کلیدی، کاهش سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه، تحمیل هزینه به بخش خصوصی، اختلال در کسب و کار و آسیب‌های رسانه‌ای؛ فعالیت رسانه‌های ضدعفاف و حجاب، ایجاد تصاویر منفی از زنان و حجاب، کاهش اعتماد به نفس زنان و افزایش قضاوت‌های اجتماعی را به دنبال دارد. با توجه به آسیب‌های سیاست جنایی در قبال حجاب و عفاف جهت برون رفت از این آسیب‌ها راهکارهایی از جمله تقویت سیاست‌های جنایی در حوزه حجاب و عفاف با روش‌های تعاملی و همفکری در جامعه، ایجاد مکانیسم بازخورد و ارزیابی مستمر سیاست‌های جنایی حوزه حجاب و عفاف و همچنین، بازنگری و اصلاح سیاست‌ها بر اساس نتایج ارزیابی‌ها و بازخوردهای اجتماعی، ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های جنایی حجاب و عفاف با نگرش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: آسیب، سیاست جنایی، حجاب، عفاف.

۱. گروه حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. 3209752729@iau.ac.ir

۲. گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول). 3130220305@iau.ir

۳. گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. 292162299@iau.ir

حجاب و عفاف، یک وظیفه اخلاقی و رفتاری، از ارزش‌های بنیادین اسلام به شمار می‌روند. این موضوع با وجود انبوهی از آیات و روایات که به ارزش‌گذاری، فرهنگ سازی و قانون‌گذاری در زمینه عفاف و حجاب پرداخته‌اند، به وضوح قابل اثبات است. مسأله سیاست جنایی، همان طور که مشخص است، فراتر از قانون و حتی به عرصه فرهنگ نیز نفوذ می‌کند. این امر نشان دهنده چند بعدی بودن مسأله حجاب است؛ به طوری که در صورت وجود اراده‌ای برای مقابله با بی‌حجابی، باید در زمینه‌های مختلف فعالیت کرد.

در معنای خاص، سیاست جنایی به مجموعه تدابیر و واکنش‌هایی اطلاق می‌شود که قانون‌گذار برای یک پدیده خاص در نظر می‌گیرد. برخی از دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های اسلامی، تلاش می‌کنند تا با حفظ انسجام اجتماعی و ترویج ارزش‌های دینی، مسیر سعادت افراد را هموار سازند. این دولت‌ها علاوه بر توجه به مسائل عمومی جامعه، حریم خصوصی شهروندان را نیز مد نظر قرار می‌دهند تا کل جامعه را به سمت دستیابی به کمال مورد نظر هدایت کنند.

در همین راستا، قانون‌گذاران با تدوین مدل‌های خاص حقوقی، گاهی اقدام به جرم‌انگاری رفتارهایی می‌کنند که ماهیتاً نیازی به ابزارهای کیفری نداشته و بیشتر به ابزارهای فرهنگی و اجتماعی وابسته‌اند؛ برای مثال، نوع پوشش افراد به ویژه زنان در چنین جوامعی، یک ارزش شناخته می‌شود و دخالت قانون در این حوزه توسط نظام سیاسی اغلب مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

در ایران نیز، با توجه به ساختار حقوقی و سیاسی و تأثیر عمیق دیدگاه‌های فقهی که حجاب را یکی از احکام بنیادین دین اسلام معرفی می‌کند، سیاست جرم‌انگاری در حمایت از حجاب در دستور کار قانون‌گذار قرار گرفته است.

استفاده از قدرت حکومت، بالاترین نوع سلطه در هر جامعه به شمار می‌آید که در حقوق کیفری از طریق ابزارهای قانونی به شکل جرم و مجازات تجلی می‌یابد. با این حال، اعمال هر نوع قدرتی علاوه بر ایجاد مزایا و موفقیت‌ها، ممکن است امکاناتی را نیز از بین ببرد؛ زیرا این امر هزینه‌هایی را به دولت تحمیل می‌کند. این هزینه‌ها ابعاد مالی، اجتماعی و حقوقی متعددی دارند و عدم همخوانی بین جرم‌انگاری و این هزینه‌ها می‌تواند اجرای عدالت کیفری را که یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار است، با چالش مواجه کند.

بررسی این هزینه‌ها به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد تا با دانش کافی، راه حلی را برگزینند که از منظر اقتصادی به ارتقای سطح رفاه اجتماعی منجر شود. از لحاظ مالی، جرم‌انگاری هر عملی، مستقیماً و غیرمستقیم باعث افزایش هزینه‌های دستگاه قضایی در تمامی مراحل پیشگیرانه و پس از وقوع جرم خواهد شد.

همچنین، با توجه به اصول و قواعد حقوق کیفری، نحوه جرم‌انگاری موضوعی مانند عدم رعایت حجاب شرعی به شکل قابل توجهی سیاست‌های جنایی قضایی و اجرایی را تحت تأثیر برداشت‌ها و دیدگاه‌های فردی قرار داده است.

در واقع، این نوع جرم‌انگاری با اصول قانونی بودن جرم و مجازات در تضاد است و هزینه‌های حقوقی ناشی از آن باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از مسائل جنجالی که در سال‌های اخیر موجب شکل‌گیری بحث‌هایی میان مسئولان و اندیشمندان شده، الزام مردم به حجاب از سوی حکومت و مشروعیت آن است. در این زمینه، نشست‌های علمی متعددی برگزار شده و مقالات زیادی نوشته شده است. با این حال، آنچه تاکنون در این نشست‌ها و نوشته‌ها مورد بررسی قرار گرفته، بیشتر بر روی الزام یا عدم الزام حکومت به حجاب متمرکز بوده و اینکه آیا حکومت مجاز به جرم‌انگاری بی‌حجابی است یا خیر.

به نظر می‌رسد: این رویکرد به بحث درباره وظیفه حکومت در قبال حجاب، یعنی: کاهش این موضوع به سطح فقه و حقوق کیفری، نادرست است؛ بلکه باید سطح بحث را ارتقا داد و مسأله را به طور جامع‌تری مطرح کرد تا بررسی کنیم که ورود سیاست جنایی به موضوع حجاب و عفاف چه آسیب‌هایی به همراه دارد و از منظر سیاست جنایی اسلام در این زمینه سخن گفت. بر این اساس، نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و استناد به منابع اسلامی، متون فقهی و مواد قانونی، به بررسی موضوع می‌پردازد. پرسش اصلی این است که سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با مسأله حجاب و عفاف چه آسیب‌هایی در پی دارد و چگونه می‌توان به تحلیل آن پرداخت؟

۱. تبیین مفاهیم

۱-۱. سیاست جنایی

ظاهراً، آنسلم فون فوئرباخ، از نخستین افرادی بود که در سال ۱۸۰۳ میلادی اصطلاح: سیاست جنایی^۱ را معرفی کرد. به گفته او، سیاست جنایی به مجموعه‌ای از تدابیر سرکوبگرانه‌ای اطلاق می‌شود که دولت برای مقابله با جرم به کار می‌گیرد (شاملو، ۱۴۰۳، ۴۵).

دلماز مارتی، در تعریف خود از سیاست جنایی بیان می‌کند که این مفهوم شامل مجموعه‌ای از تدابیر، روش‌ها، اهداف و ابزارهایی است که جامعه برای مقابله با پدیده‌های مجرمانه به کار می‌برد. تعریف ایشان گامی به جلو به شمار می‌آید؛ زیرا هم به تدابیر و هم به روش‌ها و در نهایت به ابزارها و اهدافی که می‌توانند در پاسخ به پدیده‌های مجرمانه مورد استفاده قرار گیرند، اشاره دارد. این موضوع نشان‌دهنده تنوع در عملکرد جامعه است.

1. Criminal policy

بنابر این، کنشگران اصلی در حوزه سیاست جنایی تنها دولت و نهادهای دولتی نیستند، بلکه شامل تمامی نهادهای اجتماعی، جامعه مدنی و حتی شهروندان عادی نیز می‌شوند. به این ترتیب، هیأت اجتماعی به مجموعه‌ای از این نهادها اشاره دارد. نکته حائز اهمیت این است که مقابله با پدیده‌های مجرمانه، شامل انحراف و جرم، به هیچ وجه محدود به جرائم و بزهکاری‌های خُرد و کلان نمی‌شود، بلکه شامل انحرافات و تخلفات نیز می‌گردد (دلماز مارتی، ۱۴۰۲، ۸۰).

به نقل از ایشان، در زمینه‌های مختلفی از جمله قضائی، غیر قضائی، پیرا قضائی و حتی نهادهای انتظامی و اداری، مانند: هیأت‌های تخلفات اداری دانشگاه‌ها، امکان پاسخ به پدیده‌های مجرمانه وجود دارد. این تعریف در حوزه سیاست جنایی نسبتاً جامع به نظر می‌رسد، اما با توجه به تحولات هزاره سوم و ظهور رویکردهای نوین و پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نباید به این تعریف بسنده کرد. بر اساس رسالت سیاست جنایی، ضروری است که به پیشرفت خود ادامه داد و در مسیر توسعه گام برداریم. این امر امکان ارائه تعریفی نوین را فراهم می‌آورد که از نظریه‌های پست مدرن و داده‌های جدید الهام گرفته شده است.

در دنیای کنونی، کارشناسان علوم جنایی سیاست جنایی را مجموعه‌ای از تدابیر و مطالعات نظری و عملی در زمینه کنترل اجتماعی بزهکاری تعریف می‌کنند. در این تعریف، تمامی اشکال کیفری و غیرکیفری که از مرحله نظری به عمل درمی‌آیند، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند. همچنین، با بهره‌گیری از مطالعات جامعه‌شناسی کیفری، می‌توان این ارزیابی‌ها را به صورت گزارش‌های سالانه به قانون‌گذاران ارائه داد (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱، ۱۰۷۷).

بنابراین، می‌توان سیاست جنایی را به عنوان مجموعه‌ای از تدابیر، روش‌ها و ابزارهایی تعریف کرد که نظام اجتماعی برای مقابله با پدیده‌های اجتماعی که موجب بزهکاری می‌شوند، به کار می‌گیرد. به عبارت دیگر، این سیاست شامل اقداماتی است که ابتدا به منظور پیشگیری از وقوع پدیده‌ها و وقایع اجتماعی با ظرفیت جنایی توسط جامعه انجام می‌شود و سپس به مقابله با رفتارهای مجرمانه می‌پردازد. سیاست جنایی به معنای مدیریت و برنامه‌ریزی در زمینه تعامل و کنترل عوامل مؤثر بر وقوع جرم است. در این تعریف، تنها پدیده‌های جنایی مد نظر نیستند، بلکه حوزه سیاست جنایی به پدیده‌های اجتماعی نیز مرتبط می‌شود. این پدیده‌های اجتماعی شامل جنایت، جنحه، تخلفات اداری و انضباطی هستند. به همین دلیل، به دلیل تنوع این پدیده‌ها، دامنه مطالعات و مداخلات سیاسی و اجتماعی نیز گسترش می‌یابد. هر پدیده اجتماعی که می‌تواند به وقوع جرم منجر شود، در حیطه مطالعات سیاست جنایی قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، پدیده‌های اجتماعی که ظرفیت جنایی دارند و بسترهای ارتکاب جرم را فراهم می‌کنند، در این زمینه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱. آسیب شناسی

در زبان فارسی، آسیب، به معنای هول و فشار، زخم، عیب و نقص یا شکستگی ناشی از ضربه و زخم، صدمه، تعب، رنج، مشقت، آفت، بلا، نکبت، مصیبت، گزند و آزار نیز به کار می‌رود (معین، ۱۳۸۶، ۳۳/۱). در لغت نامه دهخدا، آسیب، به معنای زخم، کوب، ضربه، ضربت، رنج و مشقت ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۹/۱).

واژه آسیب شناسی^۱ از دو بخش یونانی تشکیل شده است: path به معنای رنج، محنت، احساسات و غضب و Logy به معنای دانش و شناخت.

در علوم طبیعی، آسیب شناسی به مطالعه و شناسایی عوامل بی‌نظمی در ارگانیسم انسانی به منظور درمان بیماری‌های جسمانی اشاره دارد. این علم به بررسی و تحلیل عملکردهای نامناسب در حوزه پزشکی می‌پردازد و به طور کلی فرایندها و علل بیماری‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. همان طور که تشخیص دقیق بیماری و تعیین ویژگی‌های آن در حوزه سلامت چالش برانگیز است،

جامعه شناسی نیز که از این اصطلاح بهره می‌برد و به آسیب شناسی اجتماعی اشاره دارد، با دشواری‌هایی در شناسایی وضعیت‌های بهنجار و مطلوب اجتماعی مواجه است که انحراف از آن آسیب محسوب می‌شود. آسیب شناسی اجتماعی به بررسی ناهنجاری‌ها، اختلالات و عدم تعادل در عملکردهای مرتبط با ساختار زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌پردازد.

این نکته روشن است که اصطلاح آسیب شناسی از دیدگاه کارکردی، ریشه در علوم زیست‌شناسی دارد؛ اما در حوزه جامعه شناسی، هدف اصلی آسیب‌شناسی اجتماعی شامل شناسایی انحرافات، علل و عوامل آن، انواع و پیامدهای آن است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ۱۰).

واژه آسیب اجتماعی، یکی از اصطلاحاتی است که بسیاری آن را معادل انحراف اجتماعی می‌دانند. اصطلاح کجروی، یک واژه رایج در مطالعات اجتماعی و علمی این پدیده به کار می‌رود و به همین دلیل، آسیب شناسی اجتماعی، عنوانی متداول برای بررسی این موضوع مطرح شده است.

برخی از پژوهشگران معتقدند که انتخاب واژه آسیب، برای اشاره به کجروی اجتماعی به دلیل شباهت جامعه به جسم انسان است. آن‌ها ناهماهنگی‌های موجود در جامعه را مشابه ناهماهنگی‌های عملکرد اعضای بدن می‌دانند. این دیدگاه باعث شده است که در علوم زیستی، به ویژه در آسیب‌شناسی پاتولوژی که به بررسی ریشه‌های بیماری‌های جسمی می‌پردازد.

اصطلاح آسیب شناسی اجتماعی نیز به مطالعه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی اطلاق شود؛ از سوی دیگر، پیش‌فرض اصلی این مفهوم، تأکید بر اصالت وضعیت موجود و در نظر گرفتن اختلال و غیرطبیعی بودن امور نامتناسب با آن است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶، ۱۲۲).

1. pathology

۲. سیاست‌های جنایی جمهوری اسلامی ایران قبال حجاب و عفاف

سیاست جنایی، روش‌هایی است که جامعه با توسل به آنها واکنش‌ها علیه پدیده‌ی مجرمانه را سازمان می‌بخشد.

سیاست جنایی به طور کلی در سه بعد اصلی شامل: سیاست جنایی قانون‌گذاری (تقنینی)، سیاست جنایی قضائی و سیاست جنایی اجرایی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ با این حال، در سال‌های اخیر، نوعی جدید از سیاست جنایی به نام: سیاست جنایی مشارکتی، شکل گرفته است. هرچند این مفهوم، به طور دقیق و علمی در کنار ابعاد سه‌گانه سیاست جنایی قرار نمی‌گیرد، اما به دلیل گسترش معنایی آن، بعد چهارم سیاست جنایی معرفی و شناخته می‌شود.

حجاب و مسأله پوشش زن در برابر مرد نامحرم، از موضوعات اساسی و مورد توجه در اسلام است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است (مطهری، ۱۳۸۶، ۱۵). فقیهان شیعه بر این باورند که حجاب نه تنها یک واجب شرعی بلکه از ضروریات دین اسلام محسوب می‌شود. ناصر مکارم شیرازی نیز تاکید دارد که به‌ویژه در دنیای معاصر، بسیاری از افرادی که با مسلمانان ارتباط دارند، دریافته‌اند که حجاب یکی از برنامه‌های مشترک تمام فرقه‌های اسلامی است و به مرور به نمادی از هویت دینی تبدیل شده و از سوی مسلمانان مورد پابندی قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۵۳/۱).

در فقه اسلامی، موضوع حجاب بیشتر در باب‌هایی مانند: طلاق و نکاح و همچنین در مباحث مربوط به نگاه به نامحرم مطرح شده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ۳۱۶/۲؛ سبزواری، بی تا، ۲۲۸/۵). گفتنی است: در متون فقهی و حدیثی برای اشاره به مفهوم پوشش، به جای واژه حجاب، از کلمه ستر، استفاده می‌شده و به کارگیری اصطلاح حجاب، برای پوشش زنان، بیشتر در دوران معاصر رایج شده است (مطهری، ۱۳۸۶، ۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۰۲/۱۷).

بر اساس اجماع فقیهان مسلمان (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، ۲۳۹/۵)، بر زنان واجب است که بدن و موی سر خود را از دید نا محرمان بپوشانند (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۹۸/۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ۳۱۷/۲). برخی از فقیهان این حکم را از ضروریات دین و مذهب دانسته‌اند (سبزواری، بی تا، ۲۲۹/۵؛ طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، ۲۳۹/۵).

درباره محدوده پوشش واجب برای زنان به دو دیدگاه اصلی می‌توان اشاره کرد:

دیدگاه اول معتقد است که وجوب پوشاندن بدن به جز گردی صورت و دست‌ها از مچ تا نوک انگشتان، مطرح است. بیشتر فقیهان این نظر را پذیرفته و بر این باورند که این دو قسمت، مشروط بر نبود احتمال گناه، از محدوده پوشش واجب مستثنا هستند (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۹۸/۲؛ نجفی، ۱۳۶۲، ۷۵/۲۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ۳۱۷/۲؛ خویی، بی تا، ۴۲/۳۲).

دیدگاه دوم، وجوب پوشاندن تمامی بدن را مطرح می‌کند. فقیهانی همچون فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ۲۲۲/۲) و سید عبد الاعلی سبزواری معتقد است: پوشاندن تمام بدن حتی صورت و دست‌ها برای زنان واجب است (سبزواری، بی‌تا، ۲۳۰/۵-۲۳۸). مرعشی نجفی نیز این امر را احتیاط واجب می‌داند و پوشاندن صورت و دست را برای زنان، احتیاط واجب دانسته است (مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ۱۴۳/۱). صاحب عروه، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، در این زمینه، احتیاط مستحب را مطرح کرده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ۳۱۷/۲).

بنابر این، مقصود از حجاب اسلامی نوعی پوشش است که دو ویژگی اصلی را دارا باشد:

(۱) رعایت حدود شرعی در آن لحاظ شده باشد.

(۲) با خودنمایی و جلب توجه نامحرمان همراه نباشد.

بر اساس این تعریف، حجاب تنها به موضوع پوشش محدود نمی‌شود، بلکه به رفتار نیز مربوط می‌گردد. با تبیین مفهوم حجاب، تصویری جامع‌تر از بدحجابی را در ذهن ما ایجاد می‌کند. بدحجاب تنها به افرادی که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند، محدود نمی‌شود؛ بلکه ممکن است فردی این حدود را به‌طور کامل رعایت کند، اما در عین حال، ظاهر، رفتار، نوع سخن گفتن، نحوه راه رفتن و حتی نگاه کردنش به دیگران به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را جلب کند؛ به عبارت دیگر، رفتار و پوشش او می‌تواند به نوعی زبان دار باشد و بدون قصد و آگاهی، نظر دیگران را به خود معطوف کند.

پدیده بدحجابی، که نوعی انحراف اجتماعی شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر در جامعه ایران به ویژه در برخی شهرهای بزرگ و در میان گروه‌های خاصی از جامعه، به اشکال مختلفی مشاهده شده است. با وجود تغییرات اساسی در سطوح اجتماعی و فرهنگی و دستاوردهای قابل توجه در کاهش برخی مظاهر فرهنگ بیگانه، واقعیت این است که این معضل اجتماعی هنوز به‌طور کامل و به شیوه‌ای که شایسته جامعه اسلامی ما باشد، حل نشده است. همچنین، پاسخ مناسبی به این نیاز فرهنگی و خواست عمومی داده نشده است.

علاوه بر این، برنامه‌ریزی نامناسب برای بهره‌گیری از مشارکت جمعی در حل معضلات اجتماعی، عدم برخورد با گروه‌های افراطی و خشن که با سیاست‌های تربیتی اسلام آشنا نیستند و ضعف در برنامه‌ریزی برای تأمین نیازهای جنسی و ایجاد امکان ازدواج به موقع جوانان، بی‌توجهی نهادها و سازمان‌های فرهنگی به توطئه‌های پنهان دشمنان در تلاش برای تضعیف فرهنگ عفاف و همچنین سوء استفاده بدخواهان از بی‌حجابی به منظور مخالفت با نظام سیاسی و ارزش‌های فرهنگی مورد حمایت آن، نیز از چالش‌های موجود به شمار می‌روند (جوانی و امیری، ۱۳۹۵، ۱۱۸-۱۱۷).

عامل بنیادین در تدوین قوانین مرتبط با جرائم علیه امنیت، دیدگاه قانون‌گذار و سیاست کیفری است. برای فهم بهتر این مفهوم، ضروری است به بررسی سیاست جنایی پرداخت که پایه و اساس سیاست کیفری را تشکیل می‌دهد.

سیاست جنایی مجموعه‌ای از روش‌های سرکوبگرانه است که اجزای مشخصی برای آن تعیین شده است:

- (الف) سیاست جنایی بر ابزارهای تنبیهی و شیوه‌های پرخاشگرانه متکی است.
- (ب) این سیاست دارای ماهیت قانونی و دولتی است، به این معنا که تنها تحت نظارت و اجرای حکومت اعمال می‌شود.
- (ج) تمرکز اصلی آن بر مبارزه با جرائم است و به دیگر رفتارهای انحرافی که فاقد ضمانت اجرای جزایی هستند توجهی ندارد.
- (د) پیشگیری از جرم صرفاً از طریق سرکوبگری و اعمال مجازات ممکن است (عظیم زاده و حسابی، ۱۳۹۱، ۱۱۵).

سیاست جنایی در معنای گسترده‌اش، تنها به اقدامات کیفری محدود نمی‌شود و شامل مشاوره‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر حوزه‌ها نیز می‌گردد. بر اساس این دیدگاه، سیاست جنایی شامل تمامی اقداماتی است که جامعه و دولت در مواجهه با جرم و انحراف انجام می‌دهند (رسن، ۱۳۸۴، ۴۱). سیاست جنایی در مفهوم گسترده‌تر به سیاست عمومی کشور مرتبط است، جایی که نهادهای عمومی در سطوح مختلف، علاوه بر سیستم قضایی و پلیسی، در مدیریت و اجرا نیز تأثیرگذارند. مفهوم محدود سیاست جنایی که به جرایم و مجازات‌ها می‌پردازد، در واقع، همان سیاست کیفری است. سیاست‌های جنایی جمهوری اسلامی ایران در مورد حجاب و عفاف شامل چهار نوع اصلی: قانون‌گذاری (تقنینی)، اجرایی، قضایی و مشارکتی است.

۱-۲. سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران قبال حجاب و عفاف

سیاست‌های قانونی مرتبط با حجاب و عفاف در ایران از سال ۱۳۶۰ آغاز شد. اولین قانون، مربوط به بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها بود که عدم رعایت حجاب اسلامی را مشمول مجازات‌هایی مانند: توبیخ و اخراج قرار می‌داد. در سال ۱۳۶۲، قانون تعزیرات تصویب شد که بی‌حجابی را تخلفی قابل مجازات با حداکثر ۷۴ ضربه شلاق معرفی کرد. در سال ۱۳۶۵، قانونی تحت عنوان: نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌های خلاف شرع، تصویب شد که گامی اولیه در تنظیم قوانین پوشش جامعه محسوب است (عباسپور مبارکه و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۹۵).

از دیگر اقدامات تأثیرگذار می‌توان به آیین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب سال ۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۳۷۹ شورای عالی آموزش و پرورش و قانون رسیدگی

به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ اشاره نمود. تمامی این مقررات بی‌حجابی را تخلف اعلام کرده و ضمانت‌های انضباطی متناسب در نظر گرفته‌اند.

یکی از قوانین مهم حجاب ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، مصوب سال ۱۳۷۵، به همراه تبصره مربوطه موضوع حجاب را جرم انگاری و مورد بررسی و نقد قرار گرفت. تبصره یاد شده که با هدف مقابله با معضل بدحجابی تنظیم شده بود که از دیدگاه‌های مختلف دارای ایراداتی جدی بود:

۱. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی از نظر انطباق با موازین شرعی در قسمت‌هایی دچار نقصان بود.

۲. مجازات تعیین شده در این تبصره با سایر قوانین مشابه از نظر تناسب، هماهنگی کاملی نداشت.

۳. به مسأله جریحه دار شدن عفت عمومی یکی از مؤلفه‌های مهم اشاره نشده بود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در سال ۱۳۸۴ با تصویب قانونی برای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب تلاش‌هایی هدفمند انجام داد و در تاریخ: ۲۹ مهر ۱۳۹۳ در حالی که اخبار مربوط به اسید پاشی‌های مکرر در اصفهان، در حال انتشار بود، نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح: حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر را با اکثریت آرا به تصویب رساندند. بر اساس این مصوبه، هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند به بهانه امر به معروف و نهی از منکر، اقدام به اعمال مجرمانه‌ای چون توهین، افترا، ضرب و جرح یا قتل کند.

به موازات این طرح، طرح دیگری تحت عنوان: صیانت از حریم عفاف و حجاب نیز به هیأت رئیسه مجلس ارائه شد. این طرح مجازات‌هایی مانند: جریمه و حبس را برای بدحجابی و استفاده از آنتن ماهواره، در نظر گرفته است.

همچنین، در حوزه عفاف و حجاب، علاوه بر مقررات قبلی، جریمه‌های نقدی و الزام به حضور در دوره‌های آموزشی نیز به قوانین اضافه شد (عباسپور مبارکه و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۹۹).

ساز و کارهای جدیدی که در نظام‌های جنایی جهان پذیرفته شده‌اند، نتیجه ورود مسائل نوین به عرصه کیفری و ناکارآمدی واکنش‌های صرفاً کیفری در حل این مشکلات هستند؛ از این رو، سیاست جنایی کنونی با رویکردی متعادل، دخالت دولت را در حوزه‌های مختلف محدود کرده و به جای تکیه بر ضمانت اجرای کاملاً دولتی، استفاده از مدل‌های ترمیمی را در ساختار نظام جزایی مورد تأکید قرار می‌دهد (اسدی، ۱۳۸۴، ۵۲).

در تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ و همزمان با تصویب مدت اجرای آزمایشی لایحه حجاب و عفاف در صحن علنی مجلس، متن نهایی خود را منتشر کرد. این لایحه ابتدا توسط قوه قضاییه تهیه و به تصویب هیأت دولت رسید و پس از آن، در خرداد ماه ۱۴۰۲ تحت عنوان: لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و

حجاب، به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. این لایحه، مراحل قانونی خود را طی کرد. در این مرحله، گروه‌های حامی حجاب این لایحه را نا کافی و سهل‌گیرانه ارزیابی کرده و به آن اعتراض کردند. به همین دلیل، دولت تغییراتی در آن اعمال کرد.

نسخه جدید قانون حجاب و عفاف در تاریخ: ۹ خرداد ۱۴۰۲ به مجلس شورای اسلامی ارسال و جایگزین نسخه اولیه شد. در این مرحله، کمیسیون حقوقی مجلس تغییرات قابل توجهی در این لایحه ایجاد کرد و متن آن را از ۱۵ ماده به ۷۴ ماده افزایش داد.

برای نخستین بار، مقررات مربوط به پوشش و لباس مردان نیز در این متن مشخص شد و مجازات‌ها و جریمه‌های متعددی برای متخلفان تعیین گردید. این اقدام به این دلیل بود که برخی بی‌حجابی را عامل بسیاری از جرایم، از جمله تعرض و تجاوز جنسی می‌دانند.

همچنین، این کمیسیون این لایحه را تحت عنوان: لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب نامگذاری کرد. متنی که به تصویب کمیسیون قضایی مجلس رسید، با انتقادات زیادی مواجه شد. به نظر می‌رسد که برخی افراد بی‌حجابی را عاملی برای بروز جرایم مختلف، از جمله تعرض و تجاوز جنسی می‌دانند.

۲-۲. سیاست جنایی اجرایی در قبال حجاب و عفاف

سیاست جنایی اجرایی در زمینه حجاب و عفاف از ابتدا بر پایه امر به معروف و نهی از منکر استوار بوده است. در این خصوص، اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند: دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل است که بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت قرار دارد. شرایط، حدود و کیفیت این امر توسط قانون تعیین می‌شود.

امام خمینی در سال ۱۳۵۸ در پیامی به شورای انقلاب، خواستار ایجاد نهادی مستقل از دولت شد که دارای شعبی در سراسر کشور باشد و بر تمامی فعالیت‌های دولت اسلامی و اقشار مختلف مردم نظارت کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۲۱۳/۹).

در سال ۱۳۷۲، به منظور اجرایی کردن اصل هشتم قانون اساسی، فرمان تأسیس ستادی با نام: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر را صادر کردند. در ادامه، در سال ۱۳۸۳، آیین‌نامه‌ای تحت عنوان: آیین‌نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، در قوه قضائیه تصویب شد که وظیفه اصلی آن در حوزه امر به معروف و پیشگیری از جرم تعریف شده بود.

به علاوه، در سال ۱۳۸۴ شورای فرهنگ عمومی مصوبه‌ای با عنوان: راهکارهای اجرای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، تهیه کرد که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

همچنین، پژوهشکده‌هایی در سال ۱۳۸۹ تحت نظارت ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر در قم راه اندازی شدند تا به بررسی تخصصی این موضوع بپردازند.

با توجه به مشکلات پیش آمده در اجرای این احکام و نیاز به بازنگری در ضوابط موجود، مجلس شورای اسلامی بارها طرح‌های مرتبطی ارائه کرد. از جمله این طرح‌ها می‌توان به موضوع حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر اشاره کرد که در تاریخ‌های ۸۹/۰۳/۰۲ و ۹۱/۰۴/۲۰ به صورت یک فوریتی مطرح شدند، اما به نتیجه نرسیدند.

در نهایت، در تاریخ: ۱۳۹۳/۰۴/۰۱ نمایندگان مجلس بار دیگر این طرح را با قید دو فوریت پیشنهاد دادند که در نهایت با یک فوریت آن موافقت شد. این طرح در جلسه علنی مورخ ۹۴/۰۱/۲۳ به تصویب نهایی رسید و شورای نگهبان نیز آن را در تاریخ ۹۴/۰۲/۰۲ تأیید کرد. سرانجام، رئیس مجلس این قانون را در تاریخ ۹۴/۰۲/۰۹ به رئیس‌جمهور ابلاغ نمود (خیری، ۱۳۹۴، ۲۴۲).

اجرای این قانون با تمرکز بر مجازات عدم رعایت حجاب و عفاف، به ویژه در تعامل با نهادهای انتظامی و اجرایی، منجر به ایجاد اقداماتی نظیر تأسیس گروه‌های ارشاد شد. مأموریت‌های این گروه‌ها شامل شناسایی و برخورد با متخلفان در زمینه حجاب و همچنین حضور نیروهای انتظامی در فضاهای عمومی و نظارت بر رفتار اجتماعی افراد می‌باشد که بخش مهمی از این سیاست‌ها را تشکیل می‌داد. نهادهای اجرایی با تأکید بر اهمیت نقش خود در آموزش، فرهنگ‌سازی و توانمند سازی افراد، نتوانستند به اهداف بلندمدت دست یابند. اقدامات آن‌ها غالباً به صورت ظاهری و تبلیغاتی انجام می‌شد و تأثیر لازم بر باورها و رفتارهای مردم را نداشت. این ناکامی به عوامل مختلفی از جمله عدم وجود برنامه‌های جامع آموزشی و بی‌توجهی به تغییرات اجتماعی برمی‌گردد.

همچنین، رویکرد یک بعدی به مسائل حجاب، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بر رفتارهای فردی تأثیر می‌گذارند، نتایج معکوسی به همراه داشته است.

علاوه بر این، ابهام و تناقض در قوانین مربوط به حجاب و نحوه اجرای آن، موجب سردرگمی میان مردم و مجریان قانون شده است. بسیاری از شهروندان نمی‌دانند که چه مواردی، عدم رعایت حجاب شناخته می‌شود. این وضعیت به تنش‌های اجتماعی دامن زده و برخوردهای تند و سلیقه‌ای نیروهای اجرایی با مردم، تصاویری منفی از سیاست‌های حجاب ایجاد کرده و اعتماد عمومی را تحت تأثیر قرار داده است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۳، ۲۷۸-۲۷۷).

در سال ۱۴۰۳، قانون حمایت از خانواده برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب با ۷۴ ماده و در ۵ فصل تصویب شد. فصل اول، به تعاریف کلی اختصاص دارد؛ فصل دوم، به وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی می‌پردازد؛ فصل سوم، به تکالیف خاص اشاره دارد؛ فصل چهارم، مسئولیت‌های اجتماعی را بررسی می‌کند و فصل پنجم، به جرائم و تخلفات مربوط می‌شود.

نهادهای مختلف مسئولیت فرهنگ‌سازی و حمایت از خانواده را بر عهده دارند و موظف به آموزش سبک زندگی اسلامی هستند.

در زمینه سیاست جنایی اجرایی در قبال حجاب و عفاف، عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، اجرای ناقص قوانین و غفلت از راهبردهای پیشگیرانه، عوامل اصلی عدم موفقیت این سیاست شناسایی شده‌اند.

همچنین، تمرکز بر برخوردهای قهری به جای روش‌های اقناعی و عدم ارزیابی مستمر سیاست‌ها از دیگر چالش‌های موجود در این حوزه است که به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای اجرایی منجر شده است.

۳-۲. سیاست جنایی قضایی در قبال عفاف و حجاب

سیاست جنایی قضایی ایران در حوزه حجاب و عفاف بر اساس قوانین اسلامی و احکام شرعی شکل گرفته و اجرای آن عمدتاً بر مبنای تفسیر فقهی از مقررات مربوط به پوشش و عفاف توسط ضابطان قضایی انجام می‌شود. این سیاست در عمل شامل تصویب قوانین الزامی در زمینه حجاب، تعیین مجازات برای تخلفات مرتبط و ایجاد نهادها و سازوکارهای اجرایی مانند گشت‌های ارشاد، نظارت بر رسانه‌ها و تدوین برنامه‌های فرهنگی و آموزشی است.

سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه حجاب بیشتر شامل جریمه‌های نقدی سنگین، مجازات‌های اجتماعی و حتی حبس برای مواردی است که تخلف از قوانین مرتبط به حجاب و عفاف شدت یافته است. یکی از ویژگی‌های بارز این سیاست است که بر پایه ابزارهای تنبیهی برای کنترل رفتارهای اجتماعی شکل گرفته است. این رویکرد از قوانین موجود، رویه‌های قضایی و اقدامات اجرایی ناشی می‌شود و محور اصلی آن استفاده از مجازات‌های کیفری به عنوان راهکاری برای مقابله با بدحجابی و نقض قوانین مرتبط با عفاف است. در این سیاست، قوانین و اقدامات دستگاه قضایی و انتظامی عمدتاً بر اساس برخورد قهری با متخلفان طراحی شده‌اند، به گونه‌ای که مجازات، ابزار اصلی برای تضمین رعایت قوانین اجتماعی به کار گرفته می‌شود.

قوانین مرتبط با حجاب در ایران، مانند: ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، بدحجابی را جرم تعریف کرده و برای آن مجازات‌هایی نظیر حبس یا جزای نقدی پیش‌بینی کرده‌اند. این ماده به قضات این امکان را می‌دهد که با شناسایی رفتارهای مغایر با حجاب شرعی، به اعمال مجازات بپردازند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۳، ۲۴۴-۲۴۳).

سیاست جنایی قضایی در این حوزه همواره به دنبال اعمال مجازات‌های سختگیرانه به منظور ایجاد بازدارندگی بوده است. این تمرکز بر مجازات، به ویژه در تعامل با نهادهای انتظامی و اجرایی، منجر به شکل‌گیری اقداماتی مانند تشکیل گشت‌های ارشاد شده است که وظیفه اصلی آن‌ها شناسایی و برخورد

با متخلفان در زمینه حجاب است. حضور گسترده نیروهای انتظامی در فضاهای عمومی و مداخله مستقیم آن‌ها در مسائل اجتماعی، بخش مهمی از این سیاست را تشکیل می‌دهد. این اقدامات معمولاً با معرفی متخلفان به دستگاه قضایی و تشکیل پرونده‌های کیفری برای آن‌ها ادامه می‌یابد. این وضعیت باعث شده است که محاکم قضایی نیز تحت تأثیر این رویکرد، در بسیاری از پرونده‌ها به مجازات‌های سنگین مانند حبس یا جریمه نقدی روی آورند (حیدرزاده و یوسفی، ۱۱، ۱۳۹۳).

یکی از جنبه‌های دیگر این سیاست، تلاش برای گسترش مفهوم حجاب و عفاف به حوزه‌های مختلف رفتارهای اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، سیاست جنایی و قضایی به جای تمرکز صرف بر موارد بارز نقض حجاب شرعی، به جزئی‌ترین رفتارهای فردی نیز واکنش کیفری نشان می‌دهد. این رویکرد موجب شده است که حجاب و عفاف از یک مسأله فرهنگی و اجتماعی به موضوعی قضایی و کیفری تبدیل شود و برای اجرای آن، منابع انسانی و مالی قابل توجهی از نهادهای قضایی و انتظامی اختصاص یابد.

با وجود تأکید شدید بر مجازات و کیفر، این رویکرد با چالش‌های اساسی مواجه است. از یک سو، به دلیل تمرکز بر مجازات‌های قهری، این سیاست معمولاً تأثیرات کوتاه‌مدت و ظاهری بر رفتارهای اجتماعی دارد و در بلندمدت نتوانسته است تغییرات پایدار در نگرش‌ها و رفتارهای عمومی ایجاد کند. از سوی دیگر، اجرای این سیاست‌ها، به ویژه در مواردی که با رفتارهای تهاجمی و سختگیرانه همراه بوده، موجب افزایش نارضایتی عمومی و کاهش مشروعیت نهادهای قضایی و انتظامی شده است. برخی از شهروندان این رویکرد را به عنوان دخالت مستقیم در حقوق و آزادی‌های فردی خود می‌دانند و آن را با اصول عدالت اجتماعی و حقوق بشر در تضاد می‌انگارند.

حجم بالای پرونده‌های مربوط به بدحجابی فشار زیادی بر سیستم قضایی وارد کرده و باعث شده است که منابع موجود به جای رسیدگی به جرائم مهمتر، به این پرونده‌ها اختصاص یابند. همچنین، نبود معیارهای دقیق و شفاف در تعریف جرم بدحجابی موجب سردرگمی قضات و مأموران اجرایی شده و احتمال اعمال سلیقه‌ای قوانین را افزایش داده است (حسانی، ۱۳۹۶، ۴۳).

این رویکرد کیفری به جای تمرکز بر ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسأله حجاب، تنها به جنبه‌های ظاهری آن می‌پردازد و با اتخاذ موضعی قهری، از روش‌های پیشگیرانه و ترمیمی غفلت می‌کند. در نتیجه، تمرکز بر مجازات در سیاست جنایی ایران در زمینه حجاب و عفاف نه تنها تأثیرگذاری لازم را نداشته، بلکه با پیامدهای منفی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و قضایی نیز همراه بوده است.

۲-۴. سیاست جنایی مشارکتی قبال عفاف و حجاب

سیاست جنایی مشارکتی به بررسی تأثیر و نقش جامعه مدنی در سیاست جنایی یک کشور می‌پردازد و توجه خود را بر نقش‌هایی متمرکز می‌کند که به بزه‌کار، بزه دیده و کل جامعه داده می‌شود. پاسخ‌هایی

که جامعه مدنی از طریق این سه عنصر ارائه می‌دهد، به پاسخ‌های جامعه‌ی شهرت دارند (لازرژ، ۱۳۸۲، ۶۱).

بدین ترتیب، سیاست جنایی مشارکتی نمادی از همکاری متقابل میان جامعه مدنی، نهادها، ابزارهای اجرایی، پلیس و دستگاه قضائی برای مقابله با پدیده‌های مجرمانه است و تأکید دارد که چگونه جامعه به همراه بزه‌کار و بزه‌دیده می‌توانند اقدامات مؤثری برای کاهش تدریجی و از بین بردن جرائم انجام دهند.

در رابطه با بی‌حجابی و بدحجابی نیز، اجرای سیاست جنایی مشارکتی نقشی کلیدی دارد. تمامی اقدامات طراحی شده توسط نهادهای اجتماعی و مدنی برای پیشگیری یا مقابله با این مسائل از اهمیت زیادی برخوردار هستند. هرچند در شرایط کنونی از این سیاست‌ها برای کنترل بی‌حجابی بهره گرفته می‌شود، اما قابل مشاهده است که این اقدامات کافی نبوده و توجه بیشتری از سوی قانون‌گذار به این موضوع لازم است.

حجاب، یک پدیده اجتماعی، نیازمند ارزش‌گذاری درست در سطح جامعه است. نقش نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مردمی در این فرایند انکارناپذیر است. اگر بی‌حجابی توسط افراد جامعه، یک ارزش شناخته شود، حتی سخت‌گیرترین قوانین کیفری نیز توان متقاعدکردن فرد به رعایت حجاب را نخواهند داشت. نظام ارزش‌گذاری اجتماعی و الگوسازی‌های مناسب همراه با همیاری سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند تأثیرگذاری بالایی در مسئله بی‌حجابی داشته باشد.

سیاست جنایی مشارکتی نه تنها شامل اقدامات حمایتی است، بلکه ابعاد پیشگیرانه آن نیز بسیار اهمیت دارد. بدین معنا که باید قبل از وقوع جرم دست به اقدامات پیشگیرانه زد و پس از آن نیز از اقداماتی که به حمایت از افراد متهم می‌پردازد غافل نشد. اگر پیشگیری به‌درستی انجام پذیرد، انرژی و هزینه کمتری صرف اقدامات حمایتی خواهد شد.

هدف اصلی این سیاست، دستیابی به امنیت و تحقق عدالت است که تنها با مشارکت مردم امکان‌پذیر می‌شود. اجرای صحیح برنامه‌های پیشگیرانه همچنین می‌تواند نیاز به مداخلات حمایتی را کاهش دهد یا آن را به حداقل برساند.

در مورد جرم بی‌حجابی همانند سایر جرایم، پیشگیری نقش پراهمیت‌تری نسبت به حمایت پس از وقوع جرم دارد؛ چراکه نتایج سریع‌تر و اثربخشی بیشتری خواهد داشت. البته این رویکرد نباید به معنای کنارگذاشتن اقدامات حمایتی برداشت شود.

در سیاست جنایی مشارکتی باید هر دو دسته اقدامات پیشگیرانه و حمایتی در کنار هم اجرایی شوند. مدل جامع مدیریت راهبردی در سیاست جنایی مشارکتی شامل اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم

و اقدامات حمایتی است. همچنین برای جلوگیری از تکرار جرم، حمایت از متهم در جریان بررسی قضائی، حمایت حین اجرای مجازات، حمایت پس از اتمام دوره مجازات و خاتمه حکم ضرورت دارند. در سیاست جنایی مشارکتی، که به همکاری افراد و نهادهای مختلف جامعه اشاره دارد، نقش مردم، نهادهای مدنی و رسانه‌های جمعی به عنوان ابزارهای تقویتی در کنار نیروی انتظامی و ضابطین قوه قضاییه برای پیشبرد و اعتباربخشی به طرح‌های سیاست جنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. مشارکت مردم در اجرای سیاست‌های جنایی نه تنها به تسهیل این فرآیند کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده این است که پیشگیری و مقابله با بزهکاری و همچنین حمایت از بازپروری بزهکاران و کاهش مشکلات آن‌ها و خانواده‌هایشان، مسائلی هستند که به تمامی اعضای جامعه مربوط می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۴، ۲۵۳).

عدم رعایت حجاب و پوشش مناسب یکی از مسائلی است که می‌تواند سلامت فرد، خانواده و جامعه را به خطر بیندازد و پیامدهای زیان‌باری به همراه داشته باشد (خدادادی سنگده و احمدی، ۱۳۹۴، ۹).

جمهوری اسلامی ایران با استفاده از سیاست‌های جنایی تلاش می‌کند از پیامدهای مرتبط با بدحجابی پیشگیری کند. در ادامه به بررسی آسیب‌های ناشی از سیاست‌های جنایی کشور در زمینه حجاب و عفاف می‌پردازد.

۳. انواع آسیب‌های سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران قبال حجاب و عفاف

اصطلاح آسیب شناسی در تمامی حوزه‌های علم، از جمله علوم کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در طول بیش از یک قرن گذشته، این مفهوم در ادبیات دینی نیز جایگاه ویژه‌ای یافته و توجه اصلاح طلبان مسلمان را به خود جلب کرده است (اسفندیاری، ۱۳۸۴، ۷).

آسیب شناسی در حوزه‌های روان‌شناختی، تربیتی و فرهنگی اصولاً به بررسی دقیق عوامل مؤثر در ایجاد، تثبیت، یا تسهیل آسیب‌های فیزیولوژیکی، زیستی، تربیتی و فرهنگی می‌پردازد. هدف این مطالعات، شناسایی و بهبود فرآیندهایی است که می‌توانند به رفع یا جلوگیری از بروز آفات و آسیب‌ها کمک کنند. سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران قبال حجاب و عفاف تاکنون آسیب‌های فراوانی به دنبال داشته است از جمله:

۳-۱. آسیب‌های فرهنگی

فرهنگ سازی در نظام اجتماعی و ایجاد تغییرات فرهنگی در جامعه، به اصول و آیین‌هایی وابسته است که نادیده گرفتن آن‌ها و زیر پا گذاشتن این اصول ممکن است به نتایج معکوس منجر شود. اسلام، نظامی دینی است که تأثیر عمیقی بر فرهنگ، باورها و اخلاق مردم داشته است. به همین دلیل، با ایجاد

تغییرات مثبت در فرهنگ و جامعه، موفقیت‌های چشمگیری در جوامع مختلف به دست آورده است. سیاست‌های جنایی ایران مقابل بد حجابی آسیب‌های فرهنگی مختلفی را ایجاد می‌کند از جمله:

۳-۱-۱. بی انضباطی اجتماعی

بی انضباطی اجتماعی به دلیل ضعف قانون مداری در جامعه مانعی است که می‌تواند برابر اجرای برخی راهبردها محدودیت ایجاد کند. ضعف قانون مداری مردم در حوزه حجاب و عفاف تا حدود زیادی ناشی از سهل انگاری و بی اعتنائی خود مسئولان نسبت به اجرای قوانین عفاف و حجاب است. ضعف قانون مداری در جامعه نسبت معکوسی با قاطعیت مسئولان و مجریان قانون در حوزه‌های مختلف دارد (نجفی، ۱۳۹۹، ۱۲۸) که منجر به بی انضباطی اجتماعی می‌شود.

۳-۱-۲. گسست فرهنگی

فرهنگ شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، رفتارها، روش‌ها و نگرش‌های یک جامعه است که بسیار وسیع و متنوع می‌باشد و عوامل و زمینه‌های آن نیز متفاوت و گسترده است. بدون شک، تغییر در لباس به معنای تغییر در فرهنگ است. انسان زمانی لباس فرهنگ دیگری را می‌پذیرد که آن فرهنگ را قبول کند (رستم نژاد، ۱۳۸۹، ۱۱۰). گسست فرهنگی یا شکاف نسلی یکی از چالش‌های مهمی است که تفسیر قانونی و فقهی از عفاف و حجاب را تحت تاثیر قرار داده است.

این مسأله به خصوص برای جوانان در کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران، به وضوح قابل مشاهده است. جوانان امروز در معرض جریان‌های اطلاعاتی گسترده قرار دارند و آشنایی با دنیا‌های پیشرفته و ارزش‌های جدید مداوم باعث افزایش سطح انتظارات و توقعات آنان می‌شود. تغییرات چشمگیر در برخی ارزش‌ها و نگرش‌ها میان گروه‌های سنی مختلف، ممکن است منجر به بدبینی نسبت به روندهای سیاسی و اجتماعی کشور شود؛ موضوعی که احتمالاً ارتباط مستقیم با محدودیت‌های ایجاد شده در نظام سیاسی طی سال‌های اخیر دارد.

در واقع، پس از خرداد ۱۳۷۶، فضای سیاسی کشور بازتر شد و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی توسعه یافت، اما این روند در سال‌های اخیر به سرعت معکوس شده و محدودیت‌هایی گسترده‌ای اعمال شده است. این تغییرات باعث ایجاد توقعات فزاینده در نسل‌های مختلف، به ویژه میان جوانان شده و احساس سرخوردگی و بدبینی نسبت به مسائل مختلف را تقویت کرده است (معید فر، ۱۳۸۳، ۷۶-۷۷). بنابراین، برای تدوین سیاست‌های مرتبط با حجاب و عفاف، ضرورت دارد که به شکاف نسلی و تفاوت دیدگاه‌های نسلی توجه شود تا آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از این موضوع کاهش یابد.

۳-۲. آسیب‌های اجتماعی

در مورد تردیدهایی که درباره مشروعیت برخورد کیفری با بی حجابی وجود دارد، سیاست جنایی مرتبط با حجاب و عفاف می‌تواند پیامدهای اجتماعی متعددی را به دنبال داشته باشد. حتی اگر دلایل توجیه‌کننده

برای برخورد کیفری با بی‌حجابی قانع‌کننده به نظر برسند، پیامدهایی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، به تنهایی می‌تواند دلیلی برای کنار گذاشتن این روش باشد:

۳-۲-۱. دین‌گریزی جوانان

تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که جوانان تحصیل‌کرده ساکن در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، که عمدتاً از رسانه‌های جدید، فضاها، مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، بیشترین آسیب و ناهنجاری را در زمینه حجاب دارند. اگر برخورد کیفری با بدحجابی به طور جدی دنبال شود، هرچند ممکن است جامعه ظاهری اسلامی به خود بگیرد، اما این امر می‌تواند منجر به دوری این گروه‌ها از دین شود (مرکز پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی مجلس، ۱۳۹۷، ۲۱).

۳-۲-۲. دشمن‌سازی میان هواداران نظام اسلامی

به خوبی می‌دانید: تعداد زیادی از افرادی که حجاب ندارند یا بدحجاب هستند، از حامیان انقلاب به شمار می‌روند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بخشی از سخنان خود به این موضوع اشاره کرده و فرموده‌اند: خودتان را مجهز کنید، مسلح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی هنری بروید و پذیرای جوان‌ها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «و سَنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ»، که ظاهراً عبارت است از «مداراة النَّاسِ»؛ مدارا کنید. ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد.

بعضی از همین‌هایی که در استقبال امروز بودند و شما هم جناب آقای مهمان نواز، هم بقیه‌ی آقایان، الان در این تریبون از آنها تعریف کردید، خانم‌هایی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند: «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته‌ی به این اهداف و آرمان‌هاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است، نمی‌بینند.

«گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم آیا تو چنان که می‌نمائی هستی؟»

ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید؛ البته، انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت؛ بنابر این، با قشر دانشجو ارتباط پیدا کنید (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

با توجه به این واقعیت، اکنون باید گفت که همین گروه از بانوان طبق قوانین کنونی، مجرم محسوب می‌شوند و باید مجازات شوند. به احتمال زیاد، برخوردهای کیفری با افراد بدحجاب می‌تواند منجر به فاصله‌گیری آن‌ها از نظام اسلامی و گرایش به سمت مخالفان شود.

بر اساس تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس: ارزشمندی حجاب در جامعه دچار تحول شده و حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از مردم کلاً در این طیف قرار می‌گیرند. در خصوص دخالت دولت در موضوع، نیز تنها ۳۵ تا ۴۵ درصد از افراد، موافق هستند (مرکز پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی مجلس، ۱۳۹۷، ۳).

بنابر این، استفاده از سیاست جنایی و روش‌های کیفری در مورد بد حجابی ممکن است گروه بزرگی را شامل شود و این نگرانی وجود دارد که آن‌ها به منتقدان و حتی مخالفان نظام تبدیل شوند.

۳-۲-۳. افزایش جمعیت کیفری

یکی از عواملی که موجب دشواری در برخورد کیفری با بی‌حجابی می‌شود، این است که حدود ۵۵ درصد از زنان جامعه به حجاب شرعی توجه چندانی ندارند و به حجاب عرفی تمایل دارند.

تحقیقات نشان می‌دهد: حجاب شرعی برای ۳۵ درصد از افراد جامعه دارای ارزش است، در حالی که تقریباً ۵۵ درصد از زنان حجاب عرفی را ارزشمند می‌دانند؛ در واقع، نوعی بی‌میلی نسبت به حجاب شرعی، میان بخشی از جامعه شکل گرفته است که باعث می‌شود آن‌ها بین حجاب عرفی و شرعی، گزینه اول را انتخاب کنند.

در رویکرد کیفری، تمامی افرادی که به حجاب عرفی پایبند هستند، به همراه بی‌حجاب‌ها، به عنوان مجرم شناخته می‌شوند و این امر به طرز بی‌سابقه‌ای جمعیت کیفری کشور را افزایش می‌دهد (هدایت نیا و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۴-۲۶). واضح است که این افزایش جمعیت کیفری می‌تواند وجهه جمهوری اسلامی ایران را در سطح جهانی تحت تأثیر قرار دهد.

۳-۳. آسیب‌های اقتصادی

سیاست جنایی اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حجاب و عفاف، در قوانین چند دهه اخیر و به ویژه در آخرین قانون مصوب سال ۱۴۰۳ قابل مشاهده است.

این قانون که اخیراً شامل محدودیت‌های گسترده‌ای برای صاحبان کسب و کار شده، پیامدهای منفی بر اقتصاد کشور به همراه داشته است، به ویژه در شرایطی که کشور با چالش‌های جدی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، کاهش ارزش پول ملی و ضعف در ساختارهای مدیریتی و تورم رو به رو است، جرایم سنگین وضع شده موضوعی است که نیازمند بررسی دقیق علمی و اقتصادی می‌باشد.

این قانون به دلیل محدودیت‌های گسترده‌ای که بر کسب و کارها، صنایع و فضای اجتماعی و اقتصادی کشور تحمیل می‌کند، می‌تواند تأثیرات منفی و عمیقی بر رشد اقتصادی، اشتغال، سرمایه‌گذاری و رقابت پذیری کشور داشته باشد. با استفاده از داده‌های موجود و تحلیل تجربیات مشابه در کشورهای دیگر، در ادامه به بررسی ابعاد مختلف این تأثیرات خواهیم پرداخت.

۳-۳-۱. کاهش تولید و اختلال در صنایع کلیدی

قوانین سختگیرانه تأثیر مستقیمی بر صنایعی خواهد داشت که در زمینه‌های صنایع خلاق فعالیت می‌کنند. صنعت مد و پوشاک یکی از بزرگترین کارفرمایان در اقتصاد ایران است که بیش از ۳۰۰ هزار شغل مستقیم ایجاد کرده و سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داده است. با اعمال محدودیت‌های شدید در طراحی، تولید و فروش محصولات، این صنعت با کاهش تقاضا و افزایش هزینه‌های تولید مواجه خواهد شد.

برای نمونه، الزام به رعایت استانداردهای سختگیرانه در طراحی پوشاک و ممنوعیت بسیاری از محصولات رایج، موجب افزایش هزینه‌های تولید داخلی و کاهش توان رقابتی تولیدکنندگان ایرانی در بازارهای بین‌المللی خواهد شد.

در مقابل، کشورهای همسایه مانند ترکیه و امارات با استفاده از قوانین باز و سیاست‌های تسهیل‌کننده، توانسته‌اند سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در صنعت مد جذب کنند؛ در حالی که سهم ایران از این بازار تقریباً ناچیز است. بر اساس گزارش‌ها، محدودیت‌های قانونی می‌تواند منجر به کاهش تولید داخلی و خروج این بازار به سمت واردات غیررسمی گردد.

۳-۳-۲. کاهش سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه

اجرای قانون حجاب و عفاف ۱۴۰۳ نه تنها تأثیر منفی بر بخش‌های تولیدی خواهد داشت، بلکه فضای کلی سرمایه‌گذاری در ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاران، به ویژه در صنایع خلاق و فناوری محور، به دنبال بازارهایی هستند که دارای فضای قانونی و اجتماعی پایدار و قابل پیش‌بینی باشند.

۳-۳-۳. تحمیل هزینه به بخش خصوصی و دولتی

با نگاهی به رویکرد سیاست جنایی به موضوع حجاب و عفاف تأثیرات قابل توجهی، مشهود می‌باشد؛ نخست، دولت با اجرای بعضی قوانین هزینه‌هایی را به بخش خصوصی و دولتی تحمیل می‌کند و قوانین اخیر به گونه‌ای در نظر گرفته شده اند که در ۷۰ ماده، تمامی فروشگاه‌ها و اماکن عمومی، چه دولتی و چه خصوصی، ملزم به نصب دوربین‌های مداربسته هستند.

همچنین، بر اساس متن قانون، وسایل نقلیه عمومی، مانند: تاکسی‌ها، اسنپ، اتوبوس‌ها و هواپیماها نیز باید به دوربین مجهز شوند. هرچند در متن قانون به صراحت ذکر نشده که دوربین‌ها باید در داخل این وسایل نصب شوند، اما در برخی مواد اشاره شده که در صورت بروز حادثه‌ای در این وسایل، نیاز به دوربین وجود دارد. در غیر این صورت، چگونه می‌توان فهمید که کشف حجاب صورت گرفته است؟ بنابر این، تمامی این وسایل نقلیه باید به دوربین‌های مداربسته مجهز شوند که این امر مستلزم صرف هزینه است و حافظه دوربین‌ها باید حداقل ۲۰ روز اطلاعات را ذخیره کند و در صورت درخواست

پلیس، این اطلاعات باید ارائه شود. در مجموع، این موارد هزینه‌های زیادی را به کسب و کارها تحمیل می‌کند.

۳-۳-۴. اختلال در کسب و کار

یکی از آسیب‌های اقتصادی سیاست جنایی در قبال حجاب و عفاف، ایجاد اختلال در کسب و کار عموم مردم است؛ به طور مثال، در مجازات‌های پیش بینی شده در قانون عفاف و حجاب، آمده است که اگر در محیط‌های کسب و کار و فروشگاه‌ها، فردی قوانین مربوط به عفاف و حجاب را نقض کند، علاوه بر مجازات فرد متخلف، صاحب کسب و کار نیز مجازات خواهد شد. این مجازات شامل جریمه‌ای معادل ۲ تا ۶ ماه درآمد آن واحد تجاری است.

به عبارت دیگر، اگر در یک مغازه، یک مشتری، سالی دو بار قانون عفاف و حجاب را زیر پا بگذارد، درآمد سالانه آن مغازه به صفر می‌رسد. این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان مواد قانونی مرتبط با عفاف و حجاب را به شکلی صحیح و کارآمد اجرایی کرد؟ برخی از جنبه‌های این قانون، ظرفیت ایجاد اختلال در کسب و کارها و تحمیل خسارت‌های مالی را دارند.

از سوی دیگر، برخی مواد این قانون از نظر اصولی دچار نقص بوده و قابلیت اجرایی شدن ندارند. همچنین، در مواردی، تناسب بین مجازات‌ها و نوع جرایم تعریف شده، وجود ندارد. به نظر می‌رسد: پیش از هر اقدام، باید تعریف جامع و روشنی از جرایم مرتبط با عفاف و حجاب در متن قانون مشخص شود و بر اساس نوع جرم تعیین شده، مجازات‌ها به صورت منطقی و متناسب تدوین شوند.

۳-۴-۴. آسیب‌های رسانه‌ای و ارتباطی

یکی از آسیب‌های سیاست جنایی حجاب و عفاف در حوزه آسیب‌شناسی رسانه‌ای و ارتباطی است. امروزه، سبک‌های جدید زندگی که از طریق رسانه‌های نوین و فناوری‌هایی مانند: هوش مصنوعی در جهان منتشر می‌شوند، آسیب‌های جدی برای سبک‌های زندگی سنتی ایجاد کرده‌اند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۵۳) که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۳-۴-۱. فعالیت رسانه‌های ضد عفاف و حجاب

اهمیت نقش رسانه‌ها در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها بسیار برجسته است. در دنیای امروز که جنگ افکار جایگزین جنگ ابزار شده است، دولت‌ها تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی، الگوهای ارزشی، مصرفی، طرز تفکر و سلاقی ملت‌ها را تغییر دهند و الگوهای موردنظر خود را ترویج و تثبیت کنند. نوع پوشش و گرایش به حجاب و بی حجابی یکی از مسائلی است که تحت تاثیر رسانه‌ها قرار گرفته است (خوشخویی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۱-۴۹).

رسانه‌های مخالف عفاف با ترویج ناهنجاری‌های جنسی و روابط نامشروع بین زن و مرد، به ترویج بی‌عفتی و تضعیف بنیان خانواده می‌پردازند و بدین ترتیب تأثیر فرهنگ سازی در زمینه عفاف و حجاب را کاهش می‌دهند. با توجه به تأثیر و نفوذ گسترده این رسانه‌ها، نیاز به مقابله فرهنگی و دفاع نرم در برابر آن‌ها احساس می‌شود. این امر ایجاب می‌کند که نهادهای مسئول مانند حوزه‌های علمیه، مراکز علمی و دانشگاهی، آموزش و پرورش و رسانه ملی، فعالیت‌های خود را برابر رویکردهای عفاف ستیزانه این رسانه‌ها متمرکز کنند (نجفی، ۱۳۹۹، ۱۴۲).

از این رو، سیاست جنایی قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون حجاب و عفاف تا حدی به کاهش خلأهای موجود پرداخته است. در این قانون جدید، به وضوح تأکید شده است:

۱. هرگونه توهین، تمسخر یا تبلیغ بی‌حجابی و بی‌عفتی در فضای مجازی و رسانه‌ها جرم تلقی می‌شود.

۲. ارسال هرگونه محتوای تصویری یا ویدیویی از بی‌حجابی به رسانه‌ها یا اشخاص خارج از کشور نیز یکی از جرایم خاص شناخته شده است.

۳-۴-۲. تصویر منفی از زنان و حجاب

مبارزات رسانه‌ای، اغلب با بهره‌گیری از تصاویری و بیانیه‌هایی همراه است که زنان را در موقعیت‌های نامناسب یا غیرقابل قبول به تصویر می‌کشند. این موضوع می‌تواند به ایجاد تصویری منفی از زنان و حجاب در جامعه منجر شود. زنان ممکن است احساس کنند که به خاطر نوع پوشش، مورد تبعیض قرار می‌گیرند و یا اینکه در جامعه فرصت‌های برابر برای آنان وجود ندارد.

۳-۴-۳. کاهش اعتماد به نفس زنان

سیاست جنایی ایران، قبال حجاب و عفاف و اجباری کردن آن و این نوع مبارزات ممکن است باعث شود زنان احساس کنند که حجابشان برای آن‌ها مناسب نیست یا به خاطر حجابشان مورد قضاوت و انتقاد قرار می‌گیرند. این وضعیت می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس و افزایش احساس ناامنی در میان زنان منجر شود. احساس عدم توانایی در رقابت با دیگران و مقایسه خود با الگوهای رسانه‌ای، می‌تواند به افسردگی و اضطراب در بین زنان منجر شود.

۳-۴-۴. افزایش قضاوت‌های اجتماعی

مبارزات رسانه‌ای ممکن است باعث شود: مردم به قضاوت و انتقاد از نحوه پوشش زنان بپردازند. این قضاوت‌ها می‌توانند باعث شوند: زنان، در موقعیت‌های اجتماعی احساس اضطراب و ناامنی کنند. این نوع سیاست‌ها به جای حل مشکل بدحجابی، ممکن است باعث تشدید آن از طریق مبارزات رسانه‌ای شوند. زنان ممکن است به جای تغییر در حجاب خود، به سمت کناره‌گیری و پنهان‌کاری گرایش پیدا کنند.

بنابراین سیاست‌های جنایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حجاب و عفاف ممکن است تبعاتی منفی در حوزه رسانه‌ها و ارتباطات به دنبال داشته باشد. این پیامدها شامل افزایش فعالیت رسانه‌های ضد حجاب، شکل‌گیری تصویر منفی نسبت به حجاب، میان زنان، کاهش اعتماد به نفس آنان و رشد قضاوت‌های اجتماعی درباره ظاهر و پوشش افراد باشد.

۴. آسیب‌های رفع جرم انگاری بد حجابی و بی حجابی و اتخاذ تدابیر غیرکیفری، قبال آن، از منظر جرم‌شناسی امنیتی

امروزه، با ظهور گونه‌های جدید بزهکاری، دولت‌ها برای تأمین امنیت و مبارزه با جرم دست به اقداماتی می‌زنند که گاه اصول و موازین حقوق بشری را به چالش می‌کشند. این اصول در نگاه آنان به قوانینی دست و پا گیر تبدیل شده‌اند که مانع اجرای سریع عدالت کیفری و حصول امنیت تلقی می‌شوند. این میان، افزایش قابل توجه رفتارهای مجرمانه سبب شده است که جرم‌شناسی نیز با نگرانی ناشی از حفظ نظم و امنیت داخلی، بازگشت به دوره جرم محوری، حقوق کیفری را راهی برای حل معمای جرم معرفی کرده و رویکردی مبتنی بر امنیت را اتخاذ کند.

در چهار چوب جرم‌شناسی امنیت محور، تلاش می‌شود تا از راهبردهای افتراقی استفاده شود؛ به این ترتیب، بزهکاران مزمن از طریق مکانیسم‌های کیفری و افراد بالقوه خطرناک از طریق راهکارهای پیشگیری وضعی جرم‌شناختی از جامعه جدا شوند. در فضای ایجاد شده در پی این اقدامات، گفتمان دشمن‌پنداری متهمان و مجرمان تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های کیفری بسیاری از کشورها برجای گذاشته است. در این دیدگاه، مقررات کیفری تحت تأثیر تفکرات نوین جرم‌شناسی، محوریت امنیت را بر عهده می‌گیرند؛ به بیان دیگر، الگوی کنترل جرم در این فرآیند گاه منجر به تغافل از حقوق انسانی متهمان به بهانه تأمین امنیت عمومی می‌شود (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳، ۱۵۹).

حجاب، یکی از واجبات دین اسلام و شریعت، در جامعه ما علاوه بر جنبه دینی، به یک قانون الزامی برای زنان با عقاید مختلف تبدیل شده است. قانونگذار پوشش شرعی را تحت حمایت قانونی (کیفری) قرار داده است. پیش‌فرض‌های مرتبط با مسئولیت‌های اجتماعی دولت در حفظ ارزش‌های ساختاری و رعایت آن‌ها، همچنین حفظ اخلاق اجتماعی به عنوان اصول کلان و اعتقاد به جنبه پیشگیرانه حجاب برابر برخی جرایم، آگاهی و تأمین امنیت زنان، مبنای روانشناختی، قانونگذار را به ارتباط حجاب زنانه با قوانین کیفری ترغیب کرده است (قمری و مرادی زاده، ۱۴۰۲، ۱۸۶).

شیوع فساد و فحشاء موجب کاهش امنیت عمومی و سلامت اخلاقی در جامعه می‌شود. این امر به دلیل افزایش تحریکات نا مشروع و جنسی، روابط نا مشروع، تجاوز به عنف، زنا، همجنس‌گرایی و آدم ربایی به انگیزه‌های جنسی است. به وضوح مشخص است که یکی از دلایل افزایش این تحریکات،

شکستن حریم عفاف و حجاب از سوی زنان است (نظیفی و همکاران، ۱۳۸۹، ۸۹-۹۱)؛ لذا اتخاذ تدابیر غیرکیفری در قبال آن از منظر جرم شناسی امنیتی، ضرورت پیدا می‌کند.

یکی از این راهکارهای غیرکیفری، راهکارهای شناختی است. نیاز به مطرح شدن و شناخته شدن در جامعه یک نیاز طبیعی است. بنابراین، اگر زمینه‌های مختلفی برای بروز خلاقیت زنان فراهم شود، تعداد افرادی که به دنبال جلب توجه از طریق ظاهر خود هستند، کاهش خواهد یافت؛ به هر حال، حل مسائل اجتماعی باید به طور همزمان در دو سطح خرد و کلان انجام شود.

در این راستا، حجاب، یک مسأله اجتماعی و پدیده‌ای فرهنگی نیازمند راهکارهای مشخصی است؛ از جمله این راهکارها می‌توان به نظارت دقیق بر تولید کنندگان پوشاک و آگاهی از سلاقی و نیازهای مصرف کنندگان به منظور طراحی پوشاک مناسب و متناسب با ارزش‌های جامعه اشاره کرد (بیات، ۱۳۸۷، ۱۳۲).

همچنین، ساخت برنامه‌های کودک و به تصویر کشیدن ارتباط و نزدیکی دختران با حجاب به خدا و اهل بیت (ع) نیز از دیگر راهکارهاست. برگزاری فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری، نظیر: میزگردها، شعرخوانی، ادبیات، فراخوان مقالات، مسابقات فرهنگی، نمایش فیلم‌های آموزشی و مفید، و همچنین، چاپ پوسترها، نشریات و کتاب‌های مفید و سازنده، به منظور ترویج فرهنگ غیرت در میان مردان. تصویب قوانین جامع و دقیق توسط مجلس، نظارت جدی و دلسوزانه مسئولین دولتی بر محیط‌های تحت نظارت، و اجرای قاطع قوانین توسط قوه قضائیه بدون هیچ‌گونه تسامح. همچنین، آموزش حجاب در مدارس و تدریس کامل پوشش اسلامی است.

مهندسی فرهنگی و اصلاح به موقع ساختارهای ارزشی و روابط اجتماعی جامعه باید بر اساس معرفت دینی و باورهای مذهبی صورت گیرد. این امر نیازمند اتخاذ راهبردی متوازن، درون‌زا و همه جانبه است که بر پایه عدالت، آزادی و معنویت بنا شده باشد. برای گسترش وفاق و انسجام اجتماعی، باید دایره دوستی‌ها را مقابل دشمنی‌ها گسترش داد و پیوندهای اجتماعی را تقویت کرد. همچنین، کاهش کنترل اجتماعی رسمی و افزایش احساس تعلق و تعهد به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است.

احساس مسئولیت نسبت به رعایت قوانین و مقررات و وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران باید تقویت شود. پر کردن اوقات فراغت و صرف انرژی افراد در فعالیت‌های اجتماعی و محتوای زندگی روزمره، به افزایش امید به آینده و اعتماد به نظام سیاسی کمک می‌کند. جلب مشارکت عمومی، چه مدنی و چه دولتی، برای توسعه فرهنگ عفاف و زدودن مظاهر غرب‌زدگی ضروری است. آراستن جامعه به فضایل اخلاقی و تعمیق عفاف در خانواده و جامعه، از طریق تبیین دائمی جایگاه والای زن در اسلام و توسعه

فرهنگ عفاف و حجاب، باید با استدلال‌های عقلانی، شرعی و اجتماعی در مورد آثار مثبت فردی و اجتماعی حجاب همراه باشد.

همچنین، ترغیب و آماده سازی افراد برای تغییر رفتار از طریق تشویق و اصرار نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تسهیل تغییرات رفتاری با فراهم کردن دسترسی به رفتار مطلوب و استفاده همزمان از روش‌های قبلی، همچنین تأکید بر جلب مشارکت‌های عمومی، مدنی و دولتی در مدیریت امنیت عمومی، از جمله اقدام‌های مؤثر و مفید برای کاهش این مسأله به شمار می‌روند.

۵. راهکارهای برون رفت از آسیب‌های سیاست جنایی در حوزه عفاف و حجاب

۵-۱. تقویت سیاست‌های جنایی در حوزه حجاب و عفاف

سیاست‌های جنایی قبال حجاب و عفاف باید به گونه‌ای طراحی شود که از هر گونه رویکردهای تقابلی پرهیز شود و بیشتر جنبه تعامل، گفت و گو و همفکری در جامعه داشته باشند. در چهار چوب سیاست جنایی قانونگذاری، لازم به ذکر است: نیاز به تصویب قوانین خیلی سختگیرانه نیست که اخیراً بیشتر جنبه فشار اقتصادی به افراد جامعه را داشته است و در چهار چوب سیاست جنایی اجرایی، سیاست‌ها به سمت آگاه سازی و اقناع، به جای فشار و تنبیه شکل بگیرد.

فرهنگ تعامل، نهادهای دولتی را قادر می‌سازد تا از برخوردهای قهری و اقدامات سخت‌گیرانه فاصله گرفته و به مردم فرصت دهند تا قوانین و ضرورت‌های فرهنگی را بهتر درک کنند. این امر، همچنین، باعث تقویت فضای همکاری و اعتماد میان اقشار مختلف جامعه می‌شود.

این نوع تعامل به ویژه در موضوع حجاب و عفاف که یک مسأله فرهنگی و اجتماعی است، می‌تواند تأثیرات چشمگیری داشته باشد. بهتر است نهادهای دولتی از روش‌های نرم و اثربخش همچون آموزش، تبلیغات و اطلاع رسانی بهره ببرند. چنین رویکردی به افراد این امکان را می‌دهد تا با فهم ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی، از روی آگاهی و درک کامل اهمیت حجاب و عفاف، این اصول را در زندگی خود رعایت کنند.

زمانی که مردم احساس کنند سیاست‌های حاکمیتی به شیوه‌ای دموکراتیک و با توجه به منافع و خواسته‌های آنان طراحی شده‌اند، تمایل بیشتری برای پذیرش این سیاست‌ها نشان خواهند داد. اعتماد اجتماعی در چنین شرایطی نقش کلیدی در موفقیت سیاست‌های جنایی اجرایی ایفا می‌کند، زیرا افراد در فضایی دلپذیرتر و با انگیزه‌ای درونی بیشتر تمایل دارند قوانین مربوط به حجاب و عفاف را رعایت کنند. چنین وضعیتی در نهایت به سود جامعه و فرهنگ عمومی خواهد بود.

۵-۲. ایجاد مکانیسم بازخورد و ارزیابی مستمر سیاست‌های جنایی حوزه حجاب و عفاف

سیاست‌های جنایی حجاب و عفاف باید به صورت منظم مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند تا میزان اثربخشی و کارآمدی آن‌ها مشخص شود. انجام تحقیقات میدانی و نظرسنجی‌های عمومی می‌تواند نقش اساسی در تحلیل تاثیر این سیاست‌ها بر نگرش مردم ایفا کند. همچنین، بازنگری و اصلاح سیاست‌ها بر اساس نتایج ارزیابی‌ها و بازخوردهای اجتماعی گزینه‌ای مؤثر برای بهبود عملکرد به شمار می‌رود.

یکی از راهکارهای ضروری در زمینه بهبود سیاست‌های جنایی مرتبط با حجاب و عفاف، ایجاد ساز و کارهای مستمر برای بازخورد و ارزیابی توسط نهادهای دولتی است. فرآیند ارزیابی و بازخورد، نه تنها در بررسی کارایی و اثربخشی سیاست‌ها اهمیت دارد، بلکه تاثیر مستقیمی بر اصلاح و بهبود این سیاست‌ها خواهد گذاشت. این ساز و کارها به نهادهای دولتی فرصت می‌دهند تا با استفاده از اطلاعات دقیق و بازخوردهای دریافتی، عملکرد خود را در طول زمان ارزیابی کرده و تغییرات لازم را در سیاست‌ها و اقدامات اعمال کنند. ساختارهای بازخورد و ارزیابی مستمر می‌توانند از سه جنبه کلیدی تأثیرگذار باشند.

نخستین جنبه، شفافیت در فرآیندهای اجرایی است. کانال‌های دریافت بازخورد که نظرات و انتقادات مردم، کارشناسان و فعالان اجتماعی را جمع‌آوری می‌کنند، به دولت کمک می‌کنند تا عملکرد خود را تحلیل کرده و اصلاحات لازم را انجام دهد. این نظرات از طریق گزارش‌های عملکرد، مصاحبه‌ها، نظرسنجی‌ها یا درخواست‌های رسمی گردآوری شده و برای بهبود فرآیندها استفاده می‌شوند. چنین سیستمی همچنین همکاری و اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد.

جنبه دوم، ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها و اقدامات اجرایی است. بررسی اینکه آیا سیاست‌ها توانسته‌اند اهداف مورد نظر را محقق کنند یا نه، امری ضروری است. نهادهای اجرایی باید به طور منظم تحقیق کنند که آیا میزان رعایت حجاب و عفاف در جامعه افزایش یافته یا روش‌های موجود توانسته‌اند تخلفات را کاهش دهند. این ارزیابی‌ها باید بر اساس داده‌های معتبر صورت گیرد تا نتایج دقیق‌تری ارائه شود.

سومین جنبه مهم، فرآیند اصلاح و بازنگری سیاست‌ها بر مبنای نتایج ارزیابی‌هاست. اگر مشخص شود: برخی سیاست‌ها کارآمد نبوده یا مشکلات جدیدی ایجاد کرده‌اند، لازم است تغییراتی در این سیاست‌ها ایجاد شود. این تغییرات شامل: اصلاح قوانین، تغییر روش‌های اجرایی یا معرفی رویکردهای جدید خواهد بود که با نیازهای جامعه تطابق بیشتری داشته باشد. چنین فرآیندی همچنین می‌تواند مانع بروز نواقص اجرایی شود و فرصت رسیدگی سریع‌تر به چالش‌ها را فراهم آورد.

وجود این مکانیسم‌ها می‌تواند فرهنگ اصلاح‌پذیری را میان نهادهای دولتی تقویت کند. زمانی که مسئولان بدانند که عملکردشان تحت نظارت دائمی قرار دارد و بر اساس بازخوردها ملزم به ایجاد

تغییرات هستند، انگیزه بیشتری برای بهبود عملکرد خود خواهند داشت. این امر در بلند مدت باعث ارتقای اثربخشی سیاست‌های جنایی اجرایی در زمینه حجاب و عفاف خواهد شد.

۳-۵. ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های جنایی حجاب و عفاف با نگرش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی

در سیاست‌های جنایی ایران در حوزه حجاب و عفاف، بدون وجود در نظر گرفتن نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی، خطر نا هماهنگی بین سیاست‌ها و شرایط اجتماعی وجود دارد که می‌تواند منجر به کاهش رضایت عمومی و افت کارایی سیاست‌ها شود. برای رسیدن به اهداف مورد نظر، لازم است رویکردها از مسیر اجبار به اقناع تغییر کرده و هماهنگی نهادی همراه با استفاده از ابزارهای نوین، دینی و ارزشی تقویت شود. این موارد، نه تنها به رعایت قوانین کمک می‌کنند، بلکه مشروعیت اجتماعی و مقبولیت اجرای سیاست‌ها را نیز افزایش خواهند داد.

رعایت حجاب در انظار عمومی یکی از جلوه‌های ارزش‌های اجتماعی بوده و بی‌توجهی به این مسأله نوعی تخلف اجتماعی تلقی می‌شود. بر این اساس، برخورد صحیح و منطقی با موارد بی‌حجابی علنی اهمیت دارد. همچنین تدوین قوانین مرتبط با حجاب و اجرای اصولی برخورد با رعایت نکردن آن در جامعه امری ضروری به نظر می‌رسد.

این دیدگاه که آزادی در انتخاب پوشش و غیر اجباری بودن حجاب منجر به گرایش بیشتر افراد به رعایت آن می‌شود، فاقد دلایل مستحکم است؛ چراکه تأثیر ظاهر افراد بر جامعه غیر قابل انکار است و افراد بی‌حجاب ممکن است تأثیرات منفی بر دیگران داشته باشند. به همین سبب رعایت حجاب در انظار عمومی می‌تواند از بسیاری از آثار زیانبار جلوگیری کند.

اسلام از طریق آموزش‌های مربوط به پوشش، نه تنها تلاش دارد از بروز زمینه‌های تحریک احساسات مهار نشده جلوگیری کند، بلکه هدف آن محافظت جامعه از آسیب‌های جدی ناشی از این مسائل است. ظاهر نیمه عریان زنان، علاوه بر افزایش احتمال مخاطرات امنیتی برای خودشان، ممکن است زمینه سوء رفتارهایی از جمله تعرض، جلب توجه نا محرمان، و نا هنجاری‌های اجتماعی نظیر: روابط نامشروع، تجاوزات جنسی و مسائل مرتبط دیگر را فراهم کند؛ مشکلاتی که مقابله با آن‌ها بسیار دشوار بوده و گاهی حتی غیرممکن است.

برای کاهش پیامدهای منفی ناشی از عدم رعایت حجاب، مانند: عادی شدن روابط غیرمشروع، گسترش بی‌حیایی و کاهش احترام متقابل میان افراد جامعه، خردمندانه‌ترین راه توجه به قوانین اسلامی و الزام اجرای آن در سطح جامعه است؛ بنابر این، حکومت اسلامی، حافظ اخلاق اجتماعی، باید به طور جدی بر اجرای قانون مربوط با شیوه‌های اصولی و کارآمد به رعایت حجاب و عفاف نظارت کند، تا جامعه با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، از آسیب‌های گوناگون مصون بماند.

نتیجه گیری

با بررسی روند پوشش بانوان در سال‌های اخیر، مشخص شده است: افزایش بی‌حجابی و بدحجابی در اشکال مختلف می‌تواند زمینه ساز پیامدهایی همچون: بهره‌کشی جنسی و وقوع جرایم اخلاقی منافی با عفت در فضاهای واقعی و مجازی باشد.

سیاست‌های جنایی، مجموعه‌ای از اقدامات عملیاتی و واکنشی برای مقابله با بزهکاری و انحراف‌های اجتماعی، در این حوزه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در همین راستا، قوانین و راهکارهای اجرایی مرتبط با ترویج حجاب و عفاف قابل توجه بوده‌اند.

سیاست‌های جنایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حجاب و عفاف می‌توانند نقشی موثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط ایفا کنند. از سوی دیگر عدم اجرای صحیح و اصولی سیاست‌های حاکمیتی آسیب‌های فراوانی دارد.

این پژوهش به این آسیب‌ها پرداخته است. آسیب‌های سیاست جنایی در حوزه عفاف و حجاب عبارتند از آسیب‌های فرهنگی، بی‌انضباطی اجتماعی، گسست فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی، دین‌گریزی جوانان، دشمن‌سازی بین هواداران نظام جمهوری اسلامی ایران، افزایش جمعیت کیفری و آسیب‌های اقتصادی از جمله کاهش تولید و اختلال در صنایع کلیدی، کاهش سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه، تحمیل هزینه به بخش خصوصی، اختلال در کسب و کار و آسیب‌های رسانه‌ای، فعالیت رسانه‌های ضد عفاف و حجاب، ایجاد تصاویر منفی از زنان و حجاب، کاهش اعتماد به نفس زنان و افزایش قضاوت‌های اجتماعی را به دنبال دارد.

پژوهش حاضر به آسیب‌های موجود در سیاست‌گذاری جنایی مرتبط با حجاب و عفاف پرداخت و راهکارهایی برای رفع این مشکلات ارائه شده است. نخستین پیشنهاد، تقویت سیاست‌های جنایی در این حوزه است، به طوری که از رویکردهای کیفری و تقابلی اجتناب شده و بیشتر بر تعامل، گفت و گو و همفکری اجتماعی متمرکز شود.

در بعد سیاست جنایی قانون‌گذاری، نیازی به تصویب قوانین سخت‌گیرانه وجود ندارد، به‌ویژه قوانینی که اخیراً بار اقتصادی بیشتری را به افراد جامعه تحمیل کرده‌اند.

همچنین، در چهار چوب سیاست جنایی اجرایی، پیشنهاد می‌شود راهبردها به سمت آگاه‌سازی و اقناع تغییر جهت دهند، به جای آنکه مبتنی بر فشار و تنبیه باشند.

راهکار دوم برای بهبود سیاست‌های جنایی مرتبط با حجاب و عفاف، ایجاد ساز و کاری پایدار برای بازخورد و ارزیابی مستمر این سیاست‌ها است. بررسی و تحلیل منظم این اقدامات، امکان سنجش میزان اثربخشی و کارآمدی آن‌ها را فراهم می‌آورد.

انجام تحقیقات میدانی و نظرسنجی‌های عمومی می‌تواند ابزاری کلیدی در ارزیابی تاثیر این سیاست‌ها بر نگرش جامعه استفاده شود. علاوه بر این، فرآیند بازنگری و اصلاح سیاست‌ها بر اساس داده‌ها و بازخوردهای جمع‌آوری‌شده از جامعه، نقش مهمی در بهبود عملکرد دارد. ساز و کار مهم دیگر، فرآیند بازنگری و اصلاح سیاست‌ها بر اساس نتایج حاصل از ارزیابی‌ها است، در صورتی که مشخص شود برخی راهبردها مؤثر نبوده‌اند یا مشکلات جدیدی به وجود آورده‌اند، باید تغییرات لازم اعمال شود. این تغییرات می‌تواند شامل اصلاح قوانین موجود، به روز رسانی روش‌های اجرایی یا خلق رویکردهای جدیدی باشد که با نیازهای جامعه سازگارتر باشد.

راهکار سوم بر ضرورت ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های جنایی مرتبط با حجاب و عفاف و نگرش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی تمرکز دارد. در سیاست‌گذاری‌های مربوط به حجاب و عفاف در ایران، نبود توجه کافی به ابعاد فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به ناهماهنگی میان سیاست‌گذاری و شرایط واقعی جامعه منجر شود؛ نتیجه‌ای که ممکن است باعث کاهش رضایت عمومی و افت عملکرد سیاست‌ها گردد.

برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده، ضروری است که تغییر رویکرد از اجبار به اقناع صورت گیرد و هماهنگی نهادی همراه با بهره‌گیری از ابزارهای نوین دینی و ارزشی تقویت شود. این اقدامات، نه تنها نقش مهمی در رعایت قوانین ایفا می‌کنند، بلکه بر مشروعیت اجتماعی و پذیرش عمومی اجرای سیاست‌ها تأثیر مثبت خواهند داشت.

به منظور کاهش پیامدهای نا مطلوب ناشی از عدم رعایت حجاب، از جمله عادی سازی روابط غیرمشروع، شیوع بی‌حیایی و تنزل احترام متقابل میان افراد جامعه، بهترین راهکار توجه به اصول اسلامی و الزام عملی به اجرای این قوانین است. بر این اساس، حکومت اسلامی که مسئولیت حفظ اخلاق اجتماعی را بر عهده دارد، باید با بهره‌گیری از روش‌های اصولی و مؤثر، نظارت دقیقی بر اجرای قانون حجاب و عفاف داشته باشد. این نظارت، در کنار اهتمام به ارزش‌های اخلاقی، می‌تواند جامعه را از آسیب‌های متعدد محافظت کرده و موجب تقویت انسجام اجتماعی گردد.

کتاب شناسی

۱. احمدی، عزت اله؛ عدلی پور، صمد؛ میر محمد تبار دیوکلایی، سید احمد، (۱۳۹۳)، نهاد خانواده، سبک زندگی و گرایش به حجاب، فصلنام جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱، ص ۱۵۱-۱۷۵.
۲. اسدی، لیلا، (۱۳۸۴)، بررسی قوانین کیفری ایران در امر پوشش مردم، مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۷۴-۷۸.
۳. اسفندیاری، محمد، (۱۳۸۴)، آسیب شناسی دینی (پژوهش‌هایی درباره اسلام شناسی و جامعه شناسی)، قم، انتشارات صحیفه خرد.
۴. بیات، بهرام، (۱۳۸۷)، فرا تحلیل آسیب‌های اجتماعی و جرایم، تهران، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- جمشیدی، علیرضا، (۱۳۹۴)، سیاست جنایی مشارکتی، تهران، نشر میزان.
۵. جوانی، وجیهه؛ امیری، مجتبی، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل گرایش به بدحجابی و راه کارهای مقابله با آن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران دوره نهم، شماره ۴، زمستان، ۱۱۵-۱۳۲.
۶. حسانی، جلال الدین، (۱۳۹۶)، نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه در پرتو رویکردهای نظام سیاست جنایی ایران، همایش ملی عفاف، حجاب و سبک زندگی.
۷. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۱)، بیانات در دیدار علماء و روحانیون خراسان شمالی، مورخ: ۱۳۹۱/۰۷/۱۹.
۸. خدادادی سنگده، جواد؛ احمدی، خدا بخش، (۱۳۹۴)، نقش عوامل فرهنگی و رسانه ای در پیش بینی حجاب زنان: مطالعه‌ای ملی، فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۰، شماره ۳۳.
۹. خوشخویی، منصور؛ یوسف زاده، محمد رضا؛ آذریون، پریسا، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا به حجاب، دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، سال بیستم، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۴۳-۶۵.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، موسوعة الإمام خویی، نجف، مؤسسه خویی.
۱۱. خیری، حسن، (۱۳۹۴)، بررسی جامعه شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲، ص ۲۳۷-۲۶۲.
۱۲. دلماس مارتی، می ری، (۱۴۰۲)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، تهران، نشر میزان.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. رستم نژاد، مهدی، (۱۳۸۹)، پدیده بد حجابی و ریشه‌های آن، فصلنامه تخصصی طه‌ورا، سال سوم، شماره پنجم، بهار.
۱۵. رسن، جفری، (۱۳۸۴)، نگاهی به سیاست تسامح صفر، ترجمه: جلال الدین قیاسی، فقه و حقوق، شماره ۴، ص ۱۷۱-۱۸۲.
۱۶. سبزواری، سید عبدالاعلی، (بی تا)، مذهب الأحکام، قم، دار التفسیر.
۱۷. سلیمی، علی؛ داوری، محمد، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی کجروی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. شاملو، باقر، (۱۴۰۳)، سیاست جنایی، تهران، نشر میزان.
۱۹. صدیق سروستانی، رحمت الله، (۱۳۸۶)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات سمت.
۲۰. طباطبایی حکیم، سید محسن، (۱۳۹۱)، مستمسک العروة الوثقی، قم، دار التفسیر.

۲۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ ق)، العروة الوثقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. عباسپور مبارکه، حمیدرضا؛ خسرو شاهی، قدرت الله؛ پوریانی، محمد حسین، (۱۳۹۹)، بررسی علل و عوامل ایجاد کننده یا ترغیب کننده عدم رعایت حجاب شرعی در بین زنان کشور، ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره ۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، اردیبهشت، ص ۶۹۲-۷۱۰.
۲۳. عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ حسابی، ساره، (۱۳۹۰)، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، مجله تعالی حقوق، سال ۴، شماره: ۱۵، ص ۱۱۳-۱۳۳.
۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق)، مختلف الشیعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۳۷۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی.
۲۶. قاسمی، آزاده؛ نقدی دورباطی، مریم؛ آهنگران، محمد رسول، (۱۴۰۳)، مبانی حاکم بر سیاست جنایی قضایی ایران در مقوله عفاف و حجاب، فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۶)، بهار، ص ۴۱۹-۴۴۱.
۲۷. قمری، اسماعیل؛ مرادی زاده، ناهید، (۱۴۰۲)، تحلیلی بر مبانی حقوقی مداخله کیفری در موضوع حجاب، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۳، مهر.
۲۸. لازرژ، کریستین، (۱۴۰۲)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران.
۲۹. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، (۱۴۰۶ ق)، منهاج المؤمنین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۰. مرکز پژوهش های اجتماعی و فرهنگی مجلس، (۱۳۹۷)، عوامل موثر بر اجرایی شدن سیاست های حجاب و پیامدهای آن، نشر مجازی.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، مسئله حجاب، قم، انتشارات صدرا.
۳۲. معید فر، سعید، (۱۳۸۳)، شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۴، شماره ۲۴، شماره پیاپی ۴۴۹، دی، ص ۵۵-۸۰.
۳۳. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات زرین.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ ق)، کتاب النکاح، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، قم، انتشارات اسلامیه.
۳۶. مهدوی پور، اعظم؛ شهرانی کرانی، نجمه، (۱۳۹۳)، امنیتی شدن جرم شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، فروردین، ص ۱۵۹-۱۸۸.
۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۲)، تحریر الوسیلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۸. نجفی بستان، حسین، (۱۳۹۹)، سیاست پژوهی عفاف و حجاب در ایران، قم، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و ناشر همکار جبهه فرهنگی حجاب و عفاف.
۳۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۴۰۱)، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، تهران، نشر میزان.
۴۱. نظیفی، عباس؛ جمشیدی ها، غلامرضا؛ کرمی، توران، (۱۳۸۹)، آسیب شناسی فلسفه قانونی حجاب، تهران، دادگستر.

۴۲. هدایت نیا، فرج اله؛ شوشتری، مهدی؛ محمودی ضامن جانی، محمد رضا، (۱۴۰۱)، رویکردشناسی حقوقی حجاب (با نگرشی انتقادی به برخورد کیفری با بی حجابی)، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، آبان، ص ۷-۳۲.